

ضد انقلاب هجوم می آورد «ژاکوبن های بدون خلق»

ضدانقلاب به اندازه کافی نیرو جمع کرده است که حمله را شروع کند. سرمایه داران به کمک وزرای نارودنیک و منشویک در حال سازماندهی هجوم به آزادی هستند.

تصمیم انحلال هنگهای ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۲ از لشکرهای ۱۲ و ۱۳، تصمیم «تعقیب» کردن «محرکین» (چه لغت غریبی! آیا «محرکین» از «مجرمین» در جنگ مهم تر هستند؟) و همراه آن، اخبار دستگیری نوابان کراسر بخاطر **سخنرانی در میتینگی** در اسکولیانی و بالاخره لحن شدیداً توهین آمیز حکومت موقت در مورد کرونشتات (۱) (مثلاً «دستورات باید بدون چون و چرا اطاعت شوند» - آیا این لحن صحبت کردن با شهروندانی است که تا به حال به هیچ چیز متهم نشده‌اند، حتی یک نافرمانی؟) - تمام اینها مجموعاً که به وسیله آن مدافع دلباخته سرمایه داران ضدانقلابی، رچ، مورد استقبال قرار گرفته («دولت بالاخره به زبان اقتدار حرف زد») - تمام اینها به وضوح این حقیقت را که ضدانقلاب در حال هجوم آوردن است، نشان می دهد.

این «هجوم» تأثیر عجیبی بجا می گذارد. در جبهه، محرکین، آنهایی که متهم به «تحریک به نافرمانی» هستند، در دادگاه مورد محاکمه قرار می گیرند و چهار هنگ «منحل» شده‌اند (چهار تا از هشت هنگ دو لشکر که در تلگراف ذکر شده، اگر چه بر طبق همان تلگراف که از شماره ۷۶ ایزوستیای شورای پتروگراد ذکر شده، تنها یک هنگ از هشت هنگ «با نیروی کامل» و یکی دیگر «تقریباً با نیروی کامل» بیرون آمدند). شما آقایان حکومتی اگر به مردم اطلاع می دهید که در حال منحل کردن هنگهای معینی هستید، اگر این کار را مفید تشخیص می دهید و اجازه می دهید تلگرافی در مورد آن فرستاده شود پس چرا ساده و روشن حداقل در چند خط به ما نمی گوئید دلیل نافرمانی آن کسانی که اکنون مورد تعقیب شما هستند چه بوده است؟

یکی از این دو حالت است، آقایان: یا شما در سکوت کار می کنید - سانسور نظامی دارید - و به خود زحمت مطلع ساختن مردم را نمی دهید و مردم را با گزارشهای خود در دسر نمی دهید؛ یا اینکه اگر تصمیم به آگاه نمودن مردم دارید، بگوئید تمام مطلب چیست، چند و چون مطلب را بگوئید، بگذارید معلوم شود افرادی که شما مورد تعقیب قرار داده‌اید متهم به نافرمانی در موردی کلی یا خاص هستند.

ابهام چیز بدی است.

در مورد دستگیری کراسر همه چیز روشن است. به زندان انداختن یک فرد برای **نطقی که در میتینگی نموده است** به زحمت منطقی به نظر می رسد. آیا معلوم نمی شود که فقط عقلمندان را از دست داده‌اید؟ چگونه است که شما کادتها و دست راستی ها که با نارودنیکها و منشویکها کابینه را تقسیم می کنید، توزیع روزنامه به میزان ده برابر، اگر نه صد برابر، نسبت به رقبایتان دارید! و آنوقت با چنین برتری در سلاحهای عمده تبلیغاتی، مردی را برای «سخنرانی در میتینگی» به زندان می اندازید! آیا از ترس دیوانه شده‌اید آقایان؟

ما با استفاده از قهرانقلابی در جهت منافع اکثریت ملت مخالف نیستیم.

آن روز وقتی پلخانف ژاکوبنهای ۱۷۹۳ و اظهار **صریح** آنها را که «فلان و بهمان اشخاص دشمنان خلق» هستند، متذکر می شد، ما در این مورد فکر می کردیم: هیچ حزبی نباید از تقلید کردن از ژاکوبنهای ۱۷۹۳ در موردی که پلخانف ذکر می کرد، طفره رود.

مسئله اینجاست که ژاکوبن داریم تا ژاکوبن. این ضرب المثل زیرکانه فرانسوی که پلخانف بیست سال پیش هنگامی که هنوز یک سوسیالیست بود از نقل کردن آن خوشحال می شد، «ژاکوبنهای بدون خلق» (Jacobins moins le peuple) را به استهزاء می گیرد. عظمت تاریخی ژاکوبنهای حقیقی، ژاکوبنهای ۱۷۹۳ در این بود که آنها «ژاکوبنهای با خلق» با اکثریت انقلابی ملت، با طبقات انقلابی پیشروی دوران خود بودند.

«ژاکوبنهای بدون خلق» مضحک و رقت انگیزند، آنهایی که تنها ادای ژاکوبنها را درمی آورند، آنهایی که می ترسند آشکار و روشن و بطوری که همگان بشنوند اعلام کنند استعمارگران، ستمگران بر مردم، نوکران سلطنت در همه کشورها، مدافعین زمینداران در تمام کشورها، دشمنان خلق هستند.

شما آقایان میلیوکف ها و پلخانف ها تاریخ را مطالعه کرده‌اید - آیا می توانید انکار کنید که ژاکوبنهای کبیر ۱۷۹۳ از اعلام دقیق اعضای اقلیت استعمارگر ارتجاعی زمانشان به عنوان دشمن خلق هراسان نبودند؟ دقیقاً اعضای طبقات ارتجاعی زمانشان؟

شما، حکومت فعلی، حامیانش، مدافعانش و نوکرانش - می توانید آشکار، واضح و بطور رسمی بگوئید کدام طبقات را به عنوان «دشمنان خلق» در سرتاسر جهان محسوب می کنید؟ اما چگونه می توانید! شما ژاکوبنهای بدون خلق هستید. شما فقط ادای ژاکوبنها را درمی آورید. شما بیشتر به نمایندگان عادی ارتجاع عادی زمینداران و سرمایه داران می مانید.

کارگران و سربازان! تمام مردم زحمتکش! ضدانقلاب زمینداران و سرمایه داران شروع به تهاجم نموده‌اند. حتی یک رأی به یک حزب دولتی، به احزابی که در دولت شرکت دارند ندهید! به بلشویکها رأی بدهید!

پراودا شماره ۶۸

۱۰ ژوئن (۲۸ مه) ۱۹۱۷

مجموعه آثار لنین، جلد ۲۴

توضیحات

۱- اشاره است به دو فرمان حکومت موقت که در ۲۴ و ۲۷ مه (۶ و ۹ ژوئن) ۱۹۱۷ منتشر شدند. اولی اعلام می کرد که «حکومت موقت وضعیت در کرونشتات را تهدیدآمیز و مطلقاً تحمل ناپذیر می داند». دومی اظهار می داشت «به تمام شهروندان کرونشتات اعلام می کند که دستورات حکومت موقت باید بدون چون و چرا اطاعت شوند».

ملوانان، سربازان و کارگران کارگاههای نظامی در کرونشتات - پایگاهی که پتروگراد را از جانب دریا محافظت می کرد و مهم ترین پایگاه پشت جبهه ناوگان بالتیک - نقش بسیار مهمی در تدارک پیروزی قیام مسلحانه اکتبر در پتروگراد داشتند. شورای نمایندگان کارگران و سربازان کرونشتات از نخستین روز پیدایش خود رهبری بلشویکها را پذیرفت. این بخاطر سنن انقلابی کرونشتات (شورشهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ و قیام در رزمنوگانگوت در ۱۹۱۵) و وجود یک سازمان قوی بلشویکی در آنجا بود که کار انقلابی را در سراسر دوره جنگ دنبال می کرد. در نتیجه اختلاف بین شورای کرونشتات و کمیسر حکومت موقت پپلیایف، Pepelyaev، قطعنامه‌ای توسط بخش غیرحزبی شورا طرح و با حمایت بلشویکها در ۱۷ (۳۰) مه ۱۹۱۷ تصویب شد که کنترل کمیساریای حکومتی بر کرونشتات را لغو و تمام قدرت را در شورای

کرونشئات متمرکز می نمود. این قطعنامه اعلام می کرد که تنها قدرت در شهر کرونشئات شورای نمایندگان کارگران و سربازان است. شورای پتروگراد در مورد مسائل دولتی وارد ارتباط مستقیم با شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد شد. مطبوعات بورژوازی، اس آر و منشویکی جنجالی علیه افراد کرونشئات و بلشویکها برپا کردند و مدعی شدند که روسیه در آستانه فروپاشی و هرج و مرج است و کرونشئات قصد جدایی دارد و غیره.

هیئت نمایندگی از شورای پتروگراد (چخیدزه، گوتز و دیگران) به همراه هیئتی از طرف حکومت موقت (وزیران اسکوبلف و تسره تلی) برای مذاکره درباره حوادث کرونشئات به آنجا رفتند. دومی موفق شد تصمیمی را به شورای پتروگراد بقبولاند که منجر به مصالحه می شد، طبق آن کمیسر توسط شورا انتخاب و با موافقت دولت منصوب می شد. همچنین یک قطعنامه سیاسی به تصویب رسید که در آن شورای کرونشئات اعلام کرد که قدرت حکومت موقت را می پذیرد ولی «این پذیرش به معنی کنار گذاشتن انتقاد از آن و کنار گذاشتن این خواست که دمکراسی انقلابی باید یک سازمان نوین قدرت مرکزی را از طریق تمرکز همه قدرت در دست شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان ایجاد کند، نیست.» قطعنامه همچنین ابراز امیدواری کرده بود که بلشویکها در نیل به این هدف توسط نفوذ ایدئولوژیک موفق شوند. قطعنامه با اعتراض شدید علیه نسبت دادن «تمایل به جدا کردن کرونشئات از بقیه روسیه» به بلشویکها پایان می یافت.

لنین اقدام انقلابی در کرونشئات را پیش از موقع تلقی کرده بود. مذاکرات توسط گروه بلشویک شورای کرونشئات برای حل مسئله و ادامه کار سازمان حزبی کرونشئات توسط لنین هدایت شد.

کمونستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.co